

هو الله تعالى شأنه العظمة

آیات الهی عالم را احاطه نموده و نور فضلش قلوب موحدین را منور داشته نیز عدل از افق سماء سیاست کبری مشرق و لایح و لکن سبحات انفس غافله یعنی اعراض آن نفوس شریره انوارش را مستور داشته آیا سبب حرمان چه بوده و علت منع چه شکئی نبوده و نیست که حضرت فیاض جلّت عنایت و عظم فضله عالم را محض عرفان و ظهورات عدل و انصاف خلق فرموده لازال امطار جودش هاطل و آیات فضلش نازل در هر شیء علم القدرة لله منصوب و در هر مقام رایة العزة لله مرتفع مع ذلك موحدین ضعیف و مشرکین قوی مشاهده میشوند چنانچه دیده شد مدائن اهل توحید محاط و مدافع مشرکین محیط این نیست مگر از جزاء اعمال و افعال و الصلوة المشرقة من افق سماء رحمة الله على جوهر خلقه و مطلع آثاره و مشرق وحیه و مصدر امره الذي بنوره تنور العالم و باسمه استبرک الأمم هو الذي به بدئ كل امر و ختم و به ظهر صراط الله المستقیم و امره العظيم لولا ما ظهر اسم من الأسماء و لا صفة من الصفات و على آله و اصحابه الذين ما منعهم حجبات المحتجبين و سطوة المشركين نصروا دين الله حق النصر بحيث اخذت سطوتهم من في العالم و احاط اقتدارهم كل الأمم اولئك عباد ما خوفهم شيء من الأشياء و ما حجبهم ذكر من الأذكار طلوعوا من افق الاقتدار و سخرؤا مدن الأشرار بهم اشرق نور التوحيد و ظهر حكم التجريد

سبحانک یا سید العالم و مقصود الأمم اسألك بهم و بما ظهر منهم فی سبیلک بأن تؤید اهل التوحيد على ما تحب و ترضى ثم انصرهم على الذين اعتدوا عليهم و اخذوا حقهم انك انت المقنن على ما تشاء لا اله الا انت القوى القدير و بعد قد بلغ الخادم کتابکم قرأت ما فيه و عرضت تلقاء الوجه قال المولى ارواحنا فداء نسال الله تعالى ان يفتح على وجوه عباده باب فضله و یقرّبهم الى بحر عرفانه و یزینهم بما یرتفع به امره و یکتب لهم من القلم الأعلى اجر الآخرة و الأولى انه ربّ العرش و الثرى نشهد انه لا اله الا هو اقراراً لوحدايته و اعترافاً لفردانيته لم يزل كان مقتدراً على من فى الأرض و السماء لا اله الا هو الفرد الواحد المهيمن القيوم انا نسلم من هذا المقام على احبائنا و نوصيهم بالحكمة و بما یرتفع به المقام بين الأنام انتهى

لله الحمد نعمت محبت که از اعظم نعماء الهی محسوبست موجود عالم بنارش مشتعل و بنورش منور اعتدالش روحست از برای هیاکل وجود و اگر فی الجملة تجاوز نماید معدوم نماید و مفقود سازد سبحان الله هم عمار عالم از او و هم خرابی این چه خلقی است که کل از وصفش حیران هم نحیب بکا از او مرتفع و هم سرور لایحصى از او ظاهر خادم از حق جلّ جلاله سائل و آمل که اعتدال را نصیب دوستان فرماید و عنایت کند طعم رحيق مختوم از او یافت میشود در مقامی اوست هادی و اوست واسطه فیض بعد از انبیا سلام الله عليهم و اوست مترجم در مقامی و مبين در مقامی سبحان الله وصفش بقلم تمام نمیشود در جمیع اشیاء هم این فضل على حدّها ظاهر و مشهود چه که کل مدلّ بر حقّ جلّ جلاله اند و همچنین از صنع او قلم و مداد فارس این مضمار نه الأمر بيد الله يفعل ما يشاء و یحکم ما یرید و هو العزيز الحميد

اینکه ذکر جناب حاجی سید مهدی علیه سلام الله را نمودند ذکرشان لدى المولى بشرف اصغا فائز فرمودند این مناجات را تلاوت نمایند آنها تهدیه الى صراط الله المستقیم

الهی الهی ترانی مقبلاً الیک و متوجّهاً الى مشارق وحیک و مطالع الهامک و مهابط علمک و مصادر اوامرک و احکامک اسألك باسمک الذي به سخرت العالم و هدیت الأمم و بسلطانک الذي غلب الأشياء و بآياتک التي احاطت الأرض و السماء

و بالَّذین ذابت اکبادهم فی حبّک و انفقوا ارواحهم و ما عندهم فی سیلک بأن لا تخییّننّی عمّا کتبتہ لأصفیائک و قدّرتہ لأولیائک ای ربّ تری المحتاج قائماً لدى باب کرمک و المسکین متمسکاً بجبل عطائک قدّر لی ما ینبغی لسماء جودک و بحر فضلک انت الذی شهدت الکائنات بعلوّک و سموّک و الممکنات بعظمتک و اقتدارک ای ربّ فأنزل من سحاب سماء رحمتک ما یقرّینا الیک ثمّ ارزقنا خیر ما انزلته فی کتابک اشهد یا الهی بوحدائیّتک و فردائیّتک و بأنّک انت الله لا اله الا انت لم تنزل کنت فی علوّ العظمة و الاقتدار و لا تزال تكون بمثل ما قد کنت فی ازل الآزال لا تمنعک شؤونات الخلق و لا شبهات القوم أنّک انت القيوم الذی لا تضعف جندک جنود العالم و لا صفوف الأمم تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید و أنّک انت المقتدر العزیز الحمید الهی الهی تری العاصی اراد بحر غفرانک و البعید افق قربک و رضائک اسألك بنفحات آیاتک و التّسمات الّتی تمرّ من شطر عنایتک بأن تؤیّدنی علی ذکرک و ثنائک و الاقبال الی افقک و التّظر الی آثارک و التّوجّه الی آیاتک یا اله العالم اسألك بالسّراج الأظهر الأقوم بأن تجعلنی من الذّین وصفتهم فی کتابک الذی انزلته علی سلطان رسلک اولئک عباد مکرمون لا خوف علیهم و لا هم یحزنون هل تمنعنی یا الهی بعد اذ سرعت الی فرات رحمتک و هل تخییّننّی یا مقصودی بعد اذ رفعت ایدای الرّجاء الی سماء فضلک و مواهبک لا وعزّتک ما هذا ظنّی بک اشهد أنّ بابک مفتوح و فضلک محیط و رحمتک سابقه لا تمنع جودک اعراض العباد و لا عطائک خطاء من فی البلاد فاغفر لی بجودک و احسانک ثمّ ایدنی علی خدمة اصفیائک و اولیائک أنّک انت المقتدر العلیم الحکیم لا اله الا انت الفرد الواحد العزیز الجمیل انتهى

الحمد لله عنایت ظاهر و فضل باهر از حقّ جلّ جلاله این خادم فانی مسئلت مینماید که ایشان را تأیید فرماید بر آنچه سزاوار است و موثّق دارد بر ذکر و ثنائش و الاعتراف بما نطق به قلمه الأعلی قبل خلق الأرض و السّماء أنّه لا اله الا هو لم یلد و لم یولد و ما اتّخذ لنفسه صاحبةً و لا ولداً انشاءالله از رحيق بیان بیاشامند چه که هر نفسی بآن فائز شد بعرفان حقّ جلّ جلاله فائز اگر جمیع اهل عالم کلمه توحید را اصفا مینمودند حقّ اصفا هرآینه کل منقطعاً عن الكلّ الی الله توجّه میکردند شؤونات و اشارات خادعه عالم امم را از فیض اعظم منع نموده مکافات و مجازات دو مرآتند از برای اعمال حسن و قبح آن در این دو ظاهر و هویدا قسم بسرّ وجود که اگر بکتاب الهی جلّ جلاله عمل مینمودند ذلّهای مشهوده ظاهره دست نمیداد و ظاهر نمیشد امروز کل باید بکمال خضوع و ابتهال دستهای ظاهر و باطن را بسماء جود و فضل حقّ تعالی شأنه بلند نمایند و نصرت طلبند که شاید کل محروم نمانند و از بحر آگاهی و دانائی ممنوع نگردند باری جزاء اعمال ناس را منع نموده ولكن چون باب فضل مفتوح است امید هست که ناله‌های مؤمنین و موحدین اثر نماید و عالم را بطراز عدل و انصاف مزین فرماید انّما السّؤال من العباد و الاستجابة من الله مالک يوم المعاد

خدمت محبوب مکرم حضرت ح و س علیه بهاء الله و عنایته سلام میرسانم الحمد لله فائز بوده و ذکرشان لدى المولی مذکور اسأله تعالی ان ینزل علیه من سماء الفضل امطار الرّحمة و العطاء أنّه هو المقتدر علی ما یشاء بقوله کن فیکون و همچنین خدمت محبوب مکرم جناب کاف و راء علیه سلام الله و الطافه و سایر دوستان سلام الله علیهم سلام میرسانم و از برای هر یک توفیق و تأیید میطلبم انّ ربّنا الرحمن هو السّامع المجیب السّلام و الثّناء علیکم و علی عباد الله المخلصین